

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هفتم، شماره‌ی بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۱-۱۲۲

ظهِیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت

محی‌الدین قنبری*، صبا فدوی**

چکیده

متصوفه در قبال دگرگونی‌های عصر قاجار، دو رویه در پیش گرفتند؛ گروهی روال و سنت خود را ادامه دادند و گروهی تصمیم به انجام اصلاحات و تغییر گرفتند؛ بیان نسبت/انجمن/اخوت با تصوف و فتوت از یک سو و با فراماسونری از سوی دیگر، در رویکردی تاریخی مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی، هدف اصلی نوشته حاضر است.

قصد ظهِیرالدوله، مؤسس انجمن اخوت در اولویت نخست، نه صوفی‌سازی بلکه تربیت نخبگان به منظور ترقی و بهبود زندگی مردم بود. برخلاف نظر کسانی که انجمن اخوت را انجمنی ماسونی معرفی کرده‌اند، انجمن اخوت، انجمنی شبه ماسونی، اخلاق‌مدار و کانونی فرهنگی برای رواج برابری و برادری بود که از ادبیات عرفانی و میراث تصوف هم بهره گرفت و با برگزاری نشست‌های فرهنگی و هنری نو و تغییر ساختار سنتی صوفیه به تربیت اخلاقی افراد اقدام کرد. واژه‌های کلیدی: انجمن اخوت، علی‌خان قاجار (ظهِیرالدوله)، تصوف، قاجاریه، فراماسونری.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور. (Drghanbari.m@gmail.com)

** دانشجوی دکتری عرفان و تصوف دانشگاه سمنان. (fadavis@semnan.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۱ تاریخ تایید: ۹۵/۸/۹

مقدمه

برخلاف تصور عامیانه از گوشه‌گیری تصوف، این جریان به مثابه یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در برهه‌های گوناگون تاریخ ایران نقش داشته است. عصر قاجار و به خصوص دوره‌ی ناصری به بعد، زمانی است که تجددطلبی به ایران وارد می‌شود و در این میان، تصوف نیز دستخوش تحول می‌شود. یکی از آشکارترین موارد این تحول، تشکیل انجمن اخوت به کوشش علی‌خان قاجار ملقب به ظهیرالدوله است. پرسش اصلی این مقاله ناظر بر چیستی نسبت انجمن اخوت با تصوف و جریان‌های مشابه آن از یک سو و از سوی دیگر، با فراماسونری است. توصیف و گزارشی از ایده و کنش ظهیرالدوله در پیدایش انجمن اخوت، اهداف آن و تعیین نسبت آن با تصوف و فراماسونری هدف اصلی این مقاله است.

پیش از این، نوشته‌های متعددی از دانسته‌هایی درباره ظهیرالدوله و انجمن اخوت ارائه شده^۱ و چند مقاله علمی - پژوهشی به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله: «تحلیلی بر فعالیت‌ها و رویکردهای انجمن اخوت در منطقه بوشهر با تکیه بر اسناد» از محمدرضا علم

۱. صرف نظر از هر ترجیح و اولییتی، برخی از منابعی که اطلاعاتی درباره ظهیرالدوله ارائه کرده اند، بدین قرارند:

افضل التواریخ افضل الملک، رهبران مشروطه ابراهیم صفایی، رجال عصر ناصری و وقایع الزمان دوستعلی خان معیرالممالک، مقدمه ایرج افشار در خاطرات و اسناد ظهیرالدوله و نامه‌های فروغ‌الدوله مشهور به ملکه ایران، مقدمه جهانگیر قائم مقامی در نامه‌های ظهیرالدوله، مقدمه اسماعیل رضوانی در سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، خاطرات فرید روزنوشته‌های میرزا محمد علیخان فریدالملک همدانی، طرائق الحقایق محمد معصوم نایب‌الصدر شیرازی، سلسله‌های صوفیه ایران و سیری در تصوف نورالدین مدرسی چهاردهی، تاریخ سلسله‌های طریقه نعمت‌اللهیه مسعود همایونی، دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران کیوان سمیعی و منوچهر صدوقی (سها)، فراماسونری در ایران از آغاز تا تشکیل لژ بیداری ایران محمود کتیرایی، انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت و فراموشخانه و فراماسونری در ایران اسماعیل راثین؛ درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران حامد الگار، انجمن اخوت سیاست و طریقت، و نهادام و غارت انجمن اخوت محمد حسینی؛ انجمن اخوت فراماسونری و کارگزاران دوران پهلوی نورالله عقیلی و تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی عبدالهادی حائری.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۰۳

و فاطمه حاجیانی، که انجمن اخوت را طلیعه پیدایش اولین نهادهای مدنی در دوره‌ی قاجار معرفی می‌کند،^۱ «واکنش و عملکرد شعب طریقت نعمت‌اللهیه به جنبش مشروطه‌خواهی» از هادی پیروزان، که به جهت گیری چهار شعبه طریقت نعمت‌اللهیه از جمله طریقه صفی‌علیشاهی نسبت به جنبش مشروطه پرداخته و می‌گوید اعضای انجمن اخوت انقلابی نبودند و اولویت کار فرهنگی بر امور سیاسی و لزوم اصلاحات از بالا، از سیاست‌های کلی این انجمن بود^۲ و دیگر مقاله «انقلاب و صوفی برجسته: نقش ظهیرالدوله در جنبش مشروطه‌خواهی» اثر لیوید ریدگون،^۳ است که به طور مستقل به موضوع ظهیرالدوله و تصوف پرداخته است. توصیف ریدگون از انجمن، بدین قرار است: «انجمن گرچه احتمالاً نوعی صوفی‌گری را در گرایش‌های رفرمیستی در دربار نشان می‌داد، اما در نهایت برای همگان سودمند بود، هدف انجمن به احتمال زیاد تلاش ظهیرالدوله در ترویج نوعی خاص از صوفی‌گری بوده است».^۴

مدعای پژوهش حاضر این است که انجمن اخوت، کانونی بود برای تربیت و اصلاح اجتماعی که از یک سو، از سنت و تصوف سرچشمه گرفته و از سوی دیگر، متوجه ترقی و تجدد بود. اگر چه انجمن با اعضای ماسون از ساختار و تشکیلات ماسونی در ساختار و سازماندهی و برخی شعارها تأثیر پذیرفته بود، ولی ماسونی نبود و اهداف اخلاقی و تربیتی اجتماعی ایرانیان را بیش از مقاصد سیاسی یا ماسونی دنبال کرد و می‌توان انجمن اخوت را حرکتی در نوسازی تصوف در عصر قاجار تلقی کرد، که صفی‌علیشاه و به خصوص ظهیرالدوله آن را پایه‌گذاری کردند.

۱. محمدرضا علم و فاطمه حاجیانی، «تحلیلی بر فعالیت‌ها و رویکردهای انجمن اخوت در منطقه بوشهر با

تکیه بر اسناد»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۹، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶.

۲. هادی پیروزان، «واکنش و عملکرد شعب طریقت نعمت‌اللهیه به جنبش مشروطه‌خواهی»، پژوهش‌های

تاریخی، ش ۱۸، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸.

3. Lloyd Ridgone

۴. لیوید ریدگون، «انقلاب و صوفی برجسته: نقش ظهیرالدوله در جنبش مشروطه‌خواهی»، *انقلاب مشروطه*

ایران، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: پارسه، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷.

۱. ظهیرالدوله، صوفی متجدد

علی خان قاجار^۱ (۱۲۸۱-۱۳۴۲)، از نوادگان سردار محمدابراهیم خان طایفه دولوی قاجار و فرزند محمدناصر خان ظهیرالدوله بود. او در خانواده‌ای اشرافی که نسل آن به جان محمدخان ایلخانی می‌رسید پرورش یافت. پس از مرگ محمدناصرخان ظهیرالدوله (۱۲۹۴ق)، ناصرالدین شاه قاجار، علی‌خان را که ۱۴ سال داشت به سمت وزیر تشریفات دربار گمارد و به ظهیرالدوله ملقب کرد و به دلیل وفاداری، یکی از دختران خود به نام تومان‌آغا (۱۳۳۵م) ملقب به فروغ‌الدوله و ملکه ایران را در ۱۲۹۷ق. به عقدش درآورد و بر اعتبار او افزود.^۲

۱-۱. ظهیرالدوله و جریان روشنفکری دوره قاجار

زمانی که میرزا حسن اصفهانی مشهور به صفی‌علیشاه (۱۲۵۱-۱۳۱۶ق)، از مشایخ سلسله نعمت‌اللهیه، وارد تهران شد (۱۲۸۸ق.)، نظر بسیاری را به خود جلب کرد؛ از آن جمله ظهیرالدوله با دیدن اخلاق و منش صفی‌علیشاه، به‌طور رسمی به حلقه فقر مشرف (۱۳۰۳ق) و از مریدان صفی‌علیشاه شد.^۳ صفی‌علیشاه برای پر کردن فاصله میان درباریان و مردم، به جذب مریدانی از اشراف مبادرت ورزید تا میان دارا و ندار عهد اخوت بسته و این‌گونه سنت برابری و برادری را رواج دهد.^۴ پس از کشته شدن ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ق)، و بر تخت نشستن مظفرالدین‌شاه، ظهیرالدوله هم‌چنان در سمت وزیر تشریفات باقی ماند و از ۱۳۱۹ تا دوره سلطنت آخرین شاه قاجار (۱۳۴۱ق) به حکمرانی شهرهای مختلف منصوب شد و اغلب از او با نام حکمرانی معتدل و نیک اندیش با فطرتی پاک و روحی آزادمنش یاد شده است.^۵ او در دوران حکومتش به انجام فعالیت‌های فرهنگی،

۱. تمامی تاریخ‌های متن مقاله، قمری یا میلادی است.

۲. علی‌ظهیرالدوله (۱۳۶۷)، *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: زرین، ص ۳۸۰.

۳. همان، ص پنجاه و شش.

۴. محمدعلی سلطانی (۱۳۷۹)، *احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه*، تهران: سپا، ص ۸۶.

۵. ابراهیم فخرایی (۱۳۵۲)، *گیلان در جنبش مشروطیت*، تهران: کتاب‌های جیبی، ص ۳۵.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۰۵

سیاسی و اجتماعی اقدام و با کارشکنی‌های خوانین و روحانی‌ها مقابله کرد.^۱ ظهیرالدوله در طول دوره حیات خود، دو تحول عظیم فکری را تجربه کرد؛ یکی، آشنایی با صفی‌علیشاه که خود مردی سفر کرده و آموخته بود و دیگری، سفر به اروپا همراه با مظفرالدین شاه (۱۳۱۷ق). او طی این سفر، با برخی روشنفکران و فعالان سیاسی از جمله میرزا ملکم خان، قوام‌السلطنه، میرزا کریم خان رشتی و افرادی دیگر از این قبیل مرادداشت و در طول اقامتش، اروپاییان را برای وضعیت خوب فرهنگی، اجتماعی تحسین می‌کرد، ولی با لذت‌جویی‌های افراطی ایشان مخالف بود.^۲ پس از بازگشت ظهیرالدوله به ایران، او با یک چالش درونی که ناشی از درماندگی در قبال عقب‌ماندگی ایران بود، مواجه شد:

برای گردش و سیر و تماشا	برفتم چند نوبت در اروپا
در آن ملک که از اسلام بویی	نرفته است و نباشد گفتگویی
همه کافر ولی در کافرستان	تو بینی انجمن‌ها بهر حیوان...
خدایا ما ز حیوان کمترستیم	سگ بی‌صاحب و بی‌یاورستیم...
مسلمانی چه شد، ایران کجا رفت	بر این بیغوله ویران چها رفت ^۳

ظهیرالدوله که پیش از این به عنوان یک وطن‌پرست، شاه‌دوستی و میهن‌دوستی را معادل یک‌دیگر می‌دانست، و مانند سایر صوفیان به تقدیرگرایی تمایل داشت، زبان به نقد شاهان، وزرا و امیران گشود و با پایمال شدن حقوق مردم به وسیله شاه و درباریان، بی‌غیرتی‌فرنگی مآبان، شدت عمل و دخالت روحانیون در امور غیرمرتبط با ایشان و تجاوز و دخالت کشورهای بیگانه مخالفت کرد.

۱. نک: علی ظهیرالدوله (۱۳۶۷)، *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: زرین.

۲. علی بن محمدناصر ظهیرالدوله (۱۳۷۱)، *سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین‌شاه به فرنگستان*، به‌کوشش اسماعیل رضوانی، تهران: مستوفی، ص ۲۲۵.

۳. میرزا علیخان ظهیرالدوله (۱۳۶۳)، «واردات» مجموعه اشعار ظهیرالدوله و ظهیرالسلطان، تهران: وحید، ص ۳۲۴، ۳۲۳.

ز ظلم و جور شاهند و وزیرند و گر نه جمله محتاج و فقیرند
 نباید خود قبول ظلم کردن به بند بندگی گردن نهادن...
 و تا هر وقت ماها طالب استیم ز ظالم ظلم را خود جالب استیم...^۱

ظهیرالدوله با وجود اهداف مشترکی چون برابری و برادری، عقاید روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان^۲ را به طور مطلق پذیرا نبود؛ ولی برای اصلاح جامعه به شرط پایبندی به سنت‌های وطنی تلاش می‌کرد. او فردی مشروطه‌خواه بود و پس از واقعه به توپ بستن مجلس پیش از انتصابش به حکومت کرمانشاه، با دستن خود به تعمیر عمارت بهارستان همت گمارد.^۳ نخستین کسی که لفظ منورالفکر (روشنفکر) را برای ظهیرالدوله استفاده کرد، محمدعلی تهرانی کاتوزیان^۴ بود، در آن دوره منورالفکر به کسانی گفته می‌شد که آزادی، برابری و برادری را شعار خود ساخته و با مشاهده پیشرفت‌های اروپا و آشنایی با آرای روشنفکران فرانسوی آموختند که پیشرفت ایران به سه شرط؛ گسستن زنجیر استبداد سلطنتی، تعصب روحانیت و امپریالیسم کشورهای بیگانه قابل حصول است.^۵ ظهیرالدوله نیز از طریق انجمن اخوت برای رسیدن به این سه شرط تلاش می‌کرد و فعالیت‌های نوگرایانه او به حوزه تصوف نیز کشیده شد؛ به گونه‌ای که به عنوان یک صوفی روشنفکر برای رسیدن به اهداف اصلاح‌گرایانه خود از درهم شکستن برخی سنت‌های تصوف و احیای آن در قالبی نو استفاده کرد.

۲-۱. ظهیرالدوله؛ احیاگر فتوت و مجدد تصوف:

۱. «واردات»، مجموعه اشعار ظهیرالدوله و ظهیرالسلطان، ص ۳۰۱-۲۹۶.
۲. نک: هما ناطق، «ما و میرزا ملکم‌خان‌های ما»، نگین، ش ۱۱۵، آذر ۱۳۵۳، ص ۴۰، ۳۹، ۳۰ هما ناطق هم با نقل عباراتی تند از محمد قزوینی، ملکم‌خان را مردی غیرقابل اعتماد و عوام فریب معرفی کرده است.
۳. خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ص بیست و پنج، به نقل از روزنامه نسیم شمال ش ۴۲، ص ۱.
۴. محمدعلی تهرانی کاتوزیان: «ظهیرالدوله شخصی منورالفکر و بی غرض و غیر طماع بود»، به نقل از کتاب مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۳۸۲.
۵. یرواند ابراهامیان (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیری‌شانه‌چی، تهران: مرکز، ص ۵۶.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۰۷

ظهیرالدوله با لقب طریقتی صفاعلیشاه در تصوف، راه صفی‌علیشاه را می‌پیمود و بنیان تصوف خود را بر اخلاق، انسانیت و خدمت به خلق استوار ساخت. بی‌شک صفی‌علیشاه و ظهیرالدوله نخستین صوفیانی نبودند که اخلاق را اساس تصوف خود قرار دادند و پیش از ایشان، دو گروه ملامتیه و فتیان برای «یکسو نگرستن و یکسان نگرستن» که اولی به معنای اخلاص و دیگری به معنای فتوت و جوانمردی است اهمیت ویژه قائل بودند.^۱ در خصوص پیشینه سنت عرفانی ظهیرالدوله و صفی‌علیشاه، می‌باید به نهادهای کهن فتوت و تصوف اشاره کرد. گرچه آیین فتوت قرن‌ها پیش از اسلام، در ایران شکل گرفت، پس از اسلام هم بر حیات جوامع اسلامی و بقای سنت بومی پیشین و ایستادگی در برابر بیگانگان تأثیرگذار بود؛ به گونه‌ای که برخی از فتوت با نام تصوف مدنی یاد کرده‌اند.^۲ حتی در اواخر دوره عباسیان خلفا برای تقویت خلافت، سعی در به‌دست آوردن ریاست فتیان را داشتند؛ زیرا تشکیلات اصناف در میان طبقات مردم نفوذ داشت؛^۳ به همین علت ابوالعباس احمد ناصر (۶۲۲م) از خلفای عباسی در قرن ششم، به کسوت فتیان درآمد. این چنین بود که آیین فتوت در اکثر سرزمین‌های آسیای صغیر گسترش یافت^۴ و تا ظهور دوره صفویه رفته رفته از قدرت ایشان کاسته شد و به‌دستور شاهان صفوی، تشکیلات ایشان از میان برداشته شد^۵ تا این‌که دگربار میراث ایشان به‌دست صوفیان جلالی، خاکساری^۶ و نعمت‌اللهی صفی‌علیشاهی و اهل حق در دوره قاجار زنده شد.

بزرگ‌ترین خدمت ظهیرالدوله در حوزه تصوف، این بود که عرفان را به خدمت اجتماع درآورد. همان‌گونه که ابراهیم صفایی اشاره کرده است، ظهیرالدوله تصوف را از گوشه

۱. مهدی شریفیان (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی ادبیات صوفیه*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ص ۱۲۷-۱۲۶.

۲. سعید نفیسی (۱۳۴۳)، *سرچشمه تصوف در ایران*، تهران: فروغی، ص ۱۳۲.

۳. علی محمد مؤذنی و فاطمه مهری، «فتوت: تصوف مدنی»، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۹، ش ۳، ص ۱۶۸-۱۶۴.

۴. عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۹)، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۰.

۵. سرچشمه تصوف در ایران، ص ۱۳۲.

۶. عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۸)، *جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر، ص ۳۵۷.

خانقاه‌ها به مراکز حساس اجتماع آورد و موجب بیداری افکار و تربیت اخلاق و تعلیم برابری و برادری گردید. او مانند صفی‌علیشاه، مریدانش را از پوشیدن لباس درویشی منع می‌کرد و معتقد بود که لباس و کسوت درویشی، مانع اشتغال به امور اجتماعی است،^۱ و مانند فتیان به شدت با انزواطلبی و ریاضت‌کشی مخالف بود و ریاضت را خدمت به خلق می‌دانست؛^۲ همان‌گونه که اهل فتوت افرادی اجتماعی بودند و نیت خود را از اشتغال به امور دنیوی و پیشه‌وری، یاری به دیگران به‌خصوص اخوان بیان می‌کردند.^۳

انجمن اخوت به انجمن اخوان‌الصفاء نیز شهرت داشت که علت این نام‌گذاری می‌تواند به لقب درویشی ظهیرالدوله یعنی صفا بازگردد یا اشاره‌ای باشد بر شباهت انجمن اخوت با مجمع اخوان‌الصفاء. اخوان‌الصفاء، جمعیت سری و مخفی و دارای مراتبی بودند که در قرن چهارم، در دوران آشنایی و تعامل فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف،^۴ پیشرفت علوم، فساد سیاسی دستگاه خلافت و در شرایطی که انحطاط اخلاقی دامن‌گیر جامعه شده و اختلافات دینی و مشاجرات کلامی و فلسفی شدت یافته بود، ظهور یافتند تا علم و شریعت را در یک ترکیب عرفانی و اخلاقی به هم درآمیزند و با اصلاح اخلاق فردی، تمام شئون جامعه از جمله حکومت را اصلاح نمایند^۵ و در راه رسیدن به این هدف، ناگزیر به طرح یک سازمان مبتنی بر سیاست بودند و انقلابی فرهنگی را در عصر خود رقم زدند؛^۶ ایشان خود را به خلصاء صوفیه منسوب می‌داشتند^۷ و مانند فتیان و جوانمردان که تصوفشان جنبه

۱. ابراهیم صفایی (۱۳۴۳)، رهبران مشروطه، جزوه پنجم (ظهیرالدوله)، تهران: شرق، ص ۱۱-۱۰.

۲. مجموعه اشعار ظهیرالدوله و ظهیرالسلطان، ص ۳۳۹.

۳. «فتوت: تصوف مدنی»، ص ۱۶۸.

۴. سمانه عسکری و سیدعباس ذهبی، «مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن در آثار اخوان‌الصفاء»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۳، ۱۳۹۰، ص ۳.

۵. حسین فرزانه‌پور، «بررسی اندیشه‌های اخوان‌الصفاء»، نامه فرهنگ، ش ۳۲، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰.

۶. عبدالحسین زرین کوب (۱۳۸۹)، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر، ص ۲۷۲.

۷. ارزش میراث صوفیه، ص ۱۲۳-۱۲۲.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۰۹

اخلاقی داشت، در تمام رسایل ایشان نشانی از اخلاق صوفیانه به چشم می‌خورد؛^۱ به عقیده زرین‌کوب، مجامع فراماسونری و انجمن‌های اخوت تاریخ معاصر نیز از همین روح عرفان اخلاقی بهره برده‌اند.^۲

با توجه به آن چه درخصوص اخوان‌الصفاء گفته شد، می‌توان به این نکته اشاره کرد که اخوان‌الصفاء و انجمن اخوت در شرایط و دورانی مشابه یک‌دیگر، ظهور یافتند. انجمن اخوت نیز در شرایطی که ایران دچار نزاع‌های فرقه‌ای مختلف، مشکلات سیاسی، فساد اخلاقی درباریان و مردم، نفوذ فرهنگ و تمدن اروپا و پیشرفت علوم و دست‌یافتن به فناوری‌های نوین بود شکل گرفت، تا با اصلاح قشر عالی و نخبه اجتماع، تمام طبقات جامعه را با اصول اخلاقی و انسانی آشنا سازد و شکاف طبقاتی و اعتقادی ایجاد شده در جامعه را با ایجاد روح برادری و برابری از میان بردارد؛ و شاید یکی از وجوه تمایز ظهیرالدوله و صفی‌علیشاه به میزان تأکید ایشان به این اصول بازگردد.

۲. جنبش فراماسونری در ایران و شکل‌گیری انجمن اخوت

آشنایی مردم ایران با فراماسونری، از دو طریق رخ داد؛ یکی، ورود استعمارگران اروپایی به کشورهای مسلمان و دیگری، سفر متنفذین مسلمان به هند، عثمانی و کشورهای اروپایی از زمان فتح‌علی‌شاه.^۳ زمانی که نخستین لژ فراماسونری در کشورهای شرقی یا اسلامی توسط لژ بزرگ انگلیس در ۱۱۴۱ ق. در هندگسترش یافت، ایرانیان مقیم هند مانند میرزا ابوطالب خان اصفهانی (۱۲۲۱ ق.)، از اولین کسانی بودند که به این لژ پیوستند.^۴ سپس در ۱۲۷۵ ق. نخستین لژ ماسونی به نام فراموش‌خانه توسط میرزاملکم خان، در ایران تأسیس

۱. «بررسی اندیشه‌های اخوان‌الصفاء»، ص ۱۸۰.

۲. ارزش میراث صوفیه، ص ۱۶۹.

۳. حامد الگار (۱۳۶۰)، مجموعه پژوهش‌های تاریخ ایران ۶: درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ص ۲۹.

۴. عبدالهادی حائری (۱۳۶۸)، تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۱۶۷، ۱۶۱.

شد؛^۱ ولی عمر فراموش‌خانه ملکم خان مستعجل بود و به فرمان ناصرالدین شاه (۱۲۷۸ق) برچیده شد؛^۲ در واقع رؤسای دولت‌ها با توجه به آرمان‌های نو و رمزآلود بودن، داشتن سمت‌های کلیدی اعضای لژ و پیوند اخوت و وفاداری خاص میان ایشان، نسبت به فراماسونری بدبین بودند. البته تشکیلات میرزاملکم خان سازمانی شبه ماسونی تلقی می‌شد و پس از آن، مجمع آدمیت و جامع آدمیت به پیروی از اندیشه‌های ملکم خان شکل گرفتند؛ ولی این سازمان‌ها نیز گرچه مؤسسان آن از اعضای لژهای فراماسونری فرانسه و دیگر کشورها بودند ولی هیچ‌یک از تشکیلات ایشان در جامعه فراماسونری جهانی به رسمیت شناخته نشد و آن‌ها را فرقه‌های غیرمجاز می‌دانستند^۳ و بهتر است از لفظ شبه - ماسونی یا ماسونی - دروغین^۴ برای چنین سازمان‌هایی استفاده شود.

نخستین لژی که در ایران به‌طور رسمی در تهران شکل گرفت و زیر نظر لژ اعظم شرق فرانسه قرار داشت، لژ بیداری ایران بود (۱۳۲۶ق)^۵ و در بیداری مردم ایران و آشنا کردن ایشان به حقوق خود کوشید و از آن جهت که اعضای این انجمن را بیشتر رجال سیاسی تشکیل می‌دادند گاهی گفتگوهای ایشان رنگ سیاسی به خود می‌گرفت؛ اگرچه یکی از سنت‌های فراماسونری عدم دخالت در امور سیاسی بود.^۶

علاوه بر سفر رجال ایرانی به اروپا، تأسیس فراموش‌خانه و نیز ملاحظات سیاسی و گفته‌ها و توصیف‌های سیاحان اروپایی علل دیگری نیز مانند وجود برخی شباهت‌ها با تصوف، ایرانیان را به فراماسونری جذب نمود.^۷ تصوف در پذیرش و نضج فراماسونری در

۱. احتمالاً علت این نام‌گذاری تلفظ فراموشان به‌جای فریمینن توسط فارسی‌زبانان بوده است، که به اشتباه برخی دلیل آن را فراموشی افراد پس از ورود به لژهای فراماسونی عنوان کرده‌اند!

۲. مجموعه پژوهش‌های تاریخ ایران ۶: درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران، ص ۴۰.

۳. احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه، ج ۱، ص ۴۸.

4 . Pseudo-Masonic

۵. محمود کتیرایی (۱۳۵۵)، فراماسونری در ایران از آغاز تا لژ بیداری ایران، تهران: اقبال، ص ۱۲۵.

۶. محمود عرفان، «فراماسون‌ها»، یغما، ش ۲۲، ۱۳۲۸، ص ۵۵۰.

۷. مجموعه پژوهش‌های تاریخ ایران ۶: درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران، ص ۵۸-۶۰.

ایران نقش مهمی داشته و علت آن تشابهی است که میان این دو وجود دارد؛ زیرا تعدیل احساسات فرق و مذاهب، ترویج آزادگی و حریت فکری، ترویج روح برادری و رعایت مساوات و ایثار و تهذیب اخلاق از مهم‌ترین خدمات صوفیان به جامعه بشری است.^۱ با وجود این، گرچه فراماسونری از پاره‌ای جهات با تصوف شباهت دارد، برخلاف صوفیان که اغلب از دنیا اعراض می‌کنند اساس ماسونی بر توجه به دنیا بنا شده است تا با استفاده از اجرای اصول اخلاقی به تنظیم امور دنیوی بپردازند؛^۲ البته باید توجه داشت که ترویج تعالیم فراماسونری به وسیله تصوف، خاص ایران نبوده است، و گروهی از صوفیان غیر ایرانی نیز به عضویت لژهای فراماسونری درآمدند و تصوفی با صبغه فراماسونری ارائه نمودند؛ از جمله عبدالقادر بن سید محی‌الدین الحسنی (زاده ۱۲۲۳) در سوریه و سید محمدین علی السنوسی (۱۲۷۵م) بنیان‌گذار جنبش سنوسیان در آفریقای شمالی.^۳

در این میان گرچه صوفیان ایرانی و غیر ایرانی در قرن سیزدهم با فراماسونری آشنا بودند؛ ولی نخستین کسی که تصوف و ماسونی‌گری را در ایران با هم آمیخت ظهیرالدوله بود؛ او یکی از اعضای لژ بیداری ایران بود^۴ ولی پیش از عضویت در این لژ با لژهای فراماسونری آشنا بوده است؛ زیرا تأسیس انجمن اخوت و انتخاب نشان (آرم) انجمن به پیش از تاریخ بازگشایی لژ بیداری ایران بازمی‌گردد و احتمال می‌رود که در سفری که به اروپا داشته و به واسطه آشنایی با روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان نظام الدوله با آموزه‌های فراماسونری آشنا شده است و سندی مبنی بر عضویت او در لژی در اروپا وجود ندارد.

اساس انجمن اخوت پیش از آن توسط صفی‌علیشاه در ۱۳۰۵ق. و در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه بنیان نهاده شد. جلسات آن به‌طور پنهانی هفته‌ای یک‌بار با حضور عده‌ای از مریدان خاص صفی‌علیشاه، که اغلب مقامات عالی‌رتبه دولتی بودند، به ریاست

۱. ارزش میراث صوفیه، ص ۱۶۵-۱۶۳.

۲. «فراماسون‌ها»، ص ۴۴۲-۴۴۱.

۳. تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، ص ۱۳۲-۱۳۱.

۴. محمود عرفان، «فراماسون‌ها»، یغما، ش ۲۲، ۱۳۲۸، ص ۵۴۸.

ظهیرالدوله شکل گرفت،^۱ تا این که یک سال پس از مرگ صفی‌علیشاه با صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه و ایجاد فضای باز سیاسی، ظهیرالدوله در مقام جانشین او، با موافقت شخص مظفرالدین‌شاه، انجمن اخوت را که اساس آن تلفیقی بود از افکار اخوان‌الصفا و عقاید صوفیانه در قالب یک سازمان شبه‌ماسونی، علنی ساخت و آن گونه که معیرالممالک بیان می‌دارد نخستین انجمنی بود که به‌طور رسمی در ایران شکل گرفت.^۲

پس از رسمیت یافتن انجمن اخوت، ظهیرالدوله بخشی از باغ منزل خود را برای تشکیل جلسات انجمن اختصاص و جلسات انجمن را با حضور ۱۱۰ نفر از افراد سرشناس، بانفوذ و روشن‌فکر تشکیل داد، که ریاست آن را خود به عهده داشت و اعضای انجمن هفته‌ای دو بار در محل انجمن گرد هم می‌آمدند و بر صندلی‌هایی یک‌شکل که نامشان بر آن حک شده بود در یک سطح می‌نشستند؛^۳ او ۱۱ نفر را به عنوان هسته مرکزی انجمن که سمت هیئت مشاوران را برعهده داشتند برگزید که عبارت بودند از سیدمحمدخان انتظام وزیری (انتظام‌السلطنه)،^۴ اسماعیل مرزبان (امین‌الملک)، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، شمس‌الدین جلالی (فطن‌الملک)، نیرالملک شیرازی، سیف‌الدوله (نوه فتحعلی شاه قاجار)، نصرالله صبا (مختارالملک)، همایون سیاح (خزانه دار لژ بیداری ایران)، اسدالله یمین اسفندیاری، محسن قریب، فتح‌الله صفایی (صفاءالملک).^۵

هم‌چنین به پیروی از سنت فراماسون‌ها، در ۱۳۲۷ ق. مرام‌نامه‌ای^۶ تنظیم کرد که اعضای انجمن و دراویش صفی‌علیشاهی ملزم بودند همیشه آن را با خود همراه داشته و تمام بندهای آن را رعایت کنند و مجاز نبودند که آن را به اغیار نشان دهند. ریدگون مبنای

۱. نورالدین مدرسی چهاردهی، (۱۳۸۲)، *سلسله‌های صوفیه ایران*، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۴۰.

۲. دوستعلی‌خان معیرالممالک (۱۳۹۰)، *رجال عصر ناصری*، تهران: تاریخ ایران، ص ۱۰۲.

۳. «فراماسون‌ها»، ص ۴۹۷-۵۰۵.

۴. انتظام‌السلطنه ملقب به پیش‌علی از رجال قاجار است که مدتی ریاست شهربانی و در اواخر خدمت دولتی خود مدیریت کل وزارت داخلی کشور را به عهده داشت. او پدر عبدالله و نصرالله انتظام است. (رهبران مشروطه، ص ۱۳)

۵. اسماعیل رائین (۱۳۷۸)، *فراموشخانه و فراماسونری در ایران*، تهران: رائین، ص ۴۹۶-۴۹۵.

۶. نظام‌نامه یا اساس‌نامه

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۱۳

اساس نامه انجمن اخوت را تعالیم صفی‌علیشاه می‌داند که بر مواردی چون پوشش رسمی، برخورداری از شغل، رعایت اصول اخلاقی، آداب صوفیه و روابط صحیح انسانی تأکید دارد و توجه آن بیش از آن‌که بر بینش عرفانی استوار باشد بر روابط بین دراویش و بُعد انسانی انجمن است.^۱

در مورد تأسیس انجمن اخوت (۱۳۱۷ق)، برخی به اشتباه و با استناد به گفته کتیرایی و رائین آن را یک انجمن فراماسونی، شاخه‌ای از خاور بزرگ فرانسه دانسته‌اند که هدف آن رواج فراماسونری در ایران بوده است؛ این در حالی است که لژ بیداری ایران نخستین لژ رسمی فراماسونری در ایران بود و ۹ سال پس از آن تأسیس شد (۱۳۲۶ق). حامد الگار برخلاف کتیرایی و رائین، انجمن اخوت را تلفیقی از فراماسونری و تصوف و انجمنی شبه - ماسونی می‌داند که با تأکید بر اصول اخلاقی دو هدف را دنبال می‌کرده است: یکی، تبلیغ و پشتیبانی از دولت مشروطه و دیگری، تلاش برای کنار گذاشتن ساختار سنتی تصوف و حرکت در راستای الگوی فراماسونری.^۲

انجمن اخوت، صرفاً یک انجمن سیاسی نبود؛ ولی با توجه به اهدافی که دنبال می‌کرد و نیز اعضای متنفذ آن که از رجال سیاسی ایران بودند ناگزیر بخشی از فعالیت‌های آن به میدان سیاست کشیده شد و آنچه موجب شد تا انجمن اخوت از سوی برخی، انجمنی صرفاً سیاسی تلقی شود ارتباط اعضای آن با لژ فراماسونری بیداری ایران و عضویت برخی انقلابیون مشروطه‌خواه در انجمن بود که زمینه را برای به توپ بستن انجمن در ۱۳۲۶ق. به دست ولادیمیر لیاخوف^۳ فراهم ساخت. با وجود این، انجمن اخوت در دوره احمدشاه از نظر مجلس و حکومت به عنوان یک نهاد مدنی معتبر و مؤثر در حل و فصل مسائل اجتماعی مورد پذیرش بود.^۴

۱. انقلاب و صوفی برجسته: نقش ظهیرالدوله در جنبش مشروطه‌خواهی، ص ۲۶۹.

2. Algar, Hamid, *An introduction to the history of freemasonry in Iran*, Middle Eastern Studies, p 276-296.

3. Vladimir Liakhov, (1919).

۴. «تحلیلی بر فعالیت‌ها و رویکردهای انجمن اخوت در منطقه بوشهر با تکیه بر اسناد»، ص ۱۱۶.

۳. نوگرایی در فعالیت‌های فرهنگی انجمن اخوت

عمده فعالیت‌های فرهنگی انجمن اخوت را می‌توان در موارد زیر ملاحظه کرد:

۱-۳. تغییر در ادبیات و انتشار مجله مجموعه اخلاق

ظهیرالدوله معتقد بود که سخن گفتن از عرفان به تکرار بیهوده است؛ پس باید سخنی تازه گفت و اثری از خود برجای گذاشت که در زمان خود مورد نیاز جامعه باشد. او بهترین سخن را سخنی معرفی می‌کند که چشم و گوش مردم را باز کند و ایشان را آگاه سازد؛^۱ به همین خاطر سخن گفتن به روش عرفای پیشین را در شرایطی که مردم به انواع رذایل اخلاقی، دزدی و کلاه‌برداری و مانند آن آلوده شده و از روی نادانی به خرافه و جن‌گیری روی آورده‌اند، روا نمی‌دانست و معتقد بود مشایخ که هریک راه خود را صراط مستقیم معرفی می‌کنند، با سخن گفتن به مجاز، خرافه‌گویی و بزرگ نمودن معجزات قرآن و روایت و ادعای کرامات، موجب گمراهی بیشتر مردم می‌شوند.^۲ اگرچه اساس تفکر ظهیرالدوله بر تعالیم صفی‌علیشاه و عشق و محبت استوار بود؛ ولی سفر به اروپا، بر اندیشه‌های او اثری شگرف نهاد؛ به گونه‌ای که چراغ عقلی که پس از آشنایی با صفی‌علیشاه در جدال با عشق خاموش کرده بود و شرح آن در سبحه صفا آمده^۳ در اثر دیگر او واردات روشن شد:

نمودم جمع و اسمش وارداتست	خیالی نیست، جمله شهادتست
اگر با دقت و فرصت بخوانی	سلیقه و اعتقادم را بدانی
نه عرفان بافی است و عشقبازی	بود جمله حقیقت، نی مجازی
دگر رغبت ندارم به چنان نظم	بس است آنسان که کهنه گشته آن رزم...
تو آن‌ها را کنون بر نه به یک‌سو	نظر بر اقتضای وقت بر گو ^۴

بر همین اساس اشعار او پس از بازگشت از اروپا ویژگی‌های ادبیات دوران مشروطه را

۱. مجموعه اشعار ظهیرالدوله و ظهیرالسلطان، ص ۳۴۰.

۲. مجموعه اشعار ظهیرالدوله و ظهیرالسلطان، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۳. همان، ص ۱۸-۲۹.

۴. همان، ص ۲۹۶.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۱۵

مانند میل به ساده‌نویسی، مخاطب قرار دادن عامه مردم و درون‌مایه‌های سیاسی، اجتماعی و ناسیونالیستی را داراست.^۱ تحول اندیشه این متفکران و سخن راندن از آزادی، برابری و برادری، انقلابی فرهنگی و اجتماعی را در پی داشت که در نهایت منجر به تغییر نظام سیاسی از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه شد.^۲ ولی پیش از این آشنایی، ساختار فرهنگی دوره قاجار ادامه ساختار فرهنگی ایران دوره صفویه بود که سلطنت مطلقه، اقتصاد سنتی و فرهنگ قبیله‌ای بر جامعه حکم‌فرمایی می‌کرد.^۳

ظهیرالدوله با الگوبرداری از لژهای فراماسونری، علاوه بر انتخاب یک نشان برای انجمن به شکل تبرزین، کشکول و تسبیح نشریه‌ای نیز به‌نام مجموعه/اخلاق در ۱۳۲۳، برای تهذیب اخلاق جامعه با موضوع مساوات و برادری به مدیریت میرزا علی‌اکبرخان سروش هر پانزده روز یک‌بار به چاپ رساند.

۲-۳. اقدام به برگزاری کنسرت‌های موسیقی:

فعالیت‌های انجمن اخوت در حوزه موسیقی موجب شد تا موسیقی پس از دو قرن رو نهمان کردن، دوباره جلوه کند^۴ و از انجمن اخوت با نام کانون فرهنگی مترقی یاد شده که از کنسرت‌ها، سخنرانی‌ها و نمایش‌هایش برای ابراز عقاید^۵ و جمع‌آوری اعانه^۶ سود می‌برد. وصیت و دفن شماری از موسیقیدانان ایرانی مانند درویش خان و استاد ابوالحسن صبا در آرامگاه ظهیرالدوله نیز حاکی از تعلق خاطر آنان به انجمن و ظهیرالدوله است.

۱. رضا دهقانی (۱۳۹۲)، تاریخ مردم ایران در دوره قاجار، تهران: ایران ویج، ص ۲۷۰-۲۶۷.

۲. محمدعلی تهرانی کاتوزیان (۱۳۸۸)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران)، مقدمه ناصر کاتوزیان، تهران: شرکت سهامی نشر، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۲۱.

۴. تاریخ مردم ایران در دوره قاجار، ص ۲۷۳.

۵. جمشید ملک‌پور (۱۳۸۵)، ادبیات نمایشی در ایران، ج ۲، تهران: توس، ص ۳۳.

۶. رهبران مشروطه، ص ۲۵.

۳-۳. برگزاری نمایش و پانتومیم:

ظهورالدوله نخستین نمایش نامه نویس دوره مشروطه نیز به شمار می رود، او برای اولین بار در تاریخ ایران نمایش پانتومیم را اجرا کرد. این نمایش، درام سیاسی یا تیاتر سیاسی نام داشت و نقدی بر انحراف آرمان های مشروطیت، سلطه استعمارگران و زیر پا گذاشتن منافع ملی توسط محمدعلی شاه و درباریان بود.^۱ دومین نمایش نامه که توسط ظهورالدوله نوشته و در انجمن اخوت در سه پرده اجرا شد، *کابوس استبداد یا گناهکاران* نام داشت که به وضعیت سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه می پرداخت.^۲ نمایش نامه دیگری که توسط انجمن اخوت در ۱۳۲۷ق. اجرا و از آن یاد شده است مربوط می شود به سرگذشت فردی به نام میرزا یوسف کارگزار به عنوان نمود کاملی از ظلم، اجحاف، تقلب، اخلاق و کردار زشت،^۳ که روزنامه *ایران نو* این نمایش عبرت انگیز را نشانه بیداری و ترقی ایران در امور اجتماعی معرفی کرده است.^۴ گرچه نمایش های سنتی پیش از اجرای پانتومیم انجمن اخوت در ایران اجرا می شدند؛ ولی ظهورالدوله کارکرد این نمایش ها را تغییر داد.

۳-۴. تأسیس مدارس:

هم چنین از دیگر اقدامات فرهنگی قابل توجه انجمن اخوت تأسیس مدارس به سبک اروپائی^۵ بود؛ زیرا انجمن اخوت رکود نظام آموزشی در این دوره را یکی از مهم ترین موانع توسعه سیاسی و اجتماعی منطقه می دانست.^۶

-
۱. علی میرانصاری (۱۳۹۲)، *انقلاب مشروطه و آثار دراماتیک فارسی، مروری بر نقد روابط اجتماعی در نمایش نامه های عصر مشروطه خواهی*، مجموعه مقالات انقلاب مشروطه ایران، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: پارسه، ص ۴۰۰.
 ۲. *ادبیات نمایشی در ایران*، ص ۲۰۸.
 ۳. همان، ص ۳۴-۳۵.
 ۴. روزنامه ایران نو، س ۱، ش ۱۰۳، ۱۳۲۷، ص ۴-۱.
 ۵. اقبال قاسمی پویا (۱۳۷۷)، *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*، تهران: نشر دانشگاهی، ص ۳۱۹.
 ۶. «تحلیلی بر فعالیت ها و رویکردهای انجمن اخوت در منطقه بوشهر با تکیه بر اسناد»، ص ۱۱۹، ۱۱۷.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۱۷

۵-۳. تغییر از ریاست مطلقه به نظام شورایی:

از دیگر تغییرهای اساسی ای که در انجمن اخوت نسبت به سلاسل صوفیه رخ داد، جایگزینی نظام شورایی به جای ریاست قطب و زعامت مطلقه شیخ بود.^۱ این روند پس از مرگ ظهیرالدوله هم ادامه یافت و با این که انتظام السلطنه ریاست شورا را بر عهده داشت از شکل سنتی و پیشینی که در تصوف بود فاصله گرفت.^۲

۶-۳. حضور زنان در خانقاه صفی و انجمن اخوت:

ظهیرالدوله با پیروی از سنت صفی علیشاه و به عنوان یک روشنفکر خواهان برابری، به زنان اجازه مشارکت در کارهای انجمن و خانقاه صفی علیشاه را می داد و برخی نامه‌های همسرش نشان می دهد که در غیاب او به امور انجمن رسیدگی می کرد^۳ و هم چنین فروغ الملوک، دختر ظهیرالدوله، نزد اهل ارشاد اجازه دست گیری داشت.^۴

۷-۳. آرامگاه ظهیرالدوله:

پس از مرگ ظهیرالدوله (۱۳۰۳ ش/۱۳۴۲ ق)، او در آرامگاهی نزدیک باغ خود در شمال تجریش در تهران دفن شد. در نتیجه فعالیت های فرهنگی ظهیرالدوله، علاوه بر صوفیان و سیاستمداران، گروه زیادی از مشاهیر ادب و هنر از شاعران و هنرمندان به جمع ارادتمندان او پیوستند، به گونه ای که شماری از ایشان وصیت کردند تا پس از مرگ در آرامگاه ظهیرالدوله دفن شوند، آرامگاهی تاریخی که در ۱۳۷۸ ق. توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و آن را به

۱. کیوان سمیعی و منوچهر صدوقی (سها) (۱۳۷۲)، دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، تهران: پازنگ، ص ۱۰۸.

۲. مسعود همایونی (۱۳۵۵)، تاریخ سلسله های طریقه نعمت اللهبیه در ایران از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال ۱۳۹۶ هجری قمری، تهران: مکتب عرفان ایران، ص ۲۱۵.

۳. ظهیرالدوله، «نامه های ظهیرالدوله»، اسناد تاریخی وقایع مشروطه ایران، ص ۶۵.

۴. نک: معیرالممالک، دوستعلی خان، رجال عصر ناصری، ص ۱۰۸.

آرامگاه مشاهیر پر- لاشز^۱ در پاریس، شبیه دانسته‌اند.^۲ در نهایت آن‌که انجمن اخوت، انجمنی سازنده بود که می‌توانست با تأکید بر ارتقای فرهنگ جامعه، تمام شئون و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی یک فرد از مشروطه خواهی تا شیوه حکمرانی‌اش را تحت تأثیر خود قرار دهد، به همین علت بهتر آن است که ظهورالدوله را مؤسس تصوف نوین در قالب نهاد فرهنگی نوگرا و مقتبس از انجمن‌های اروپایی مانند فراماسونری دانست.

نتیجه

ظهورالدوله فردی اشراف‌زاده، نیک‌اندیش و پیشرو بود. آشنایی با صفی‌علیشاه و سفرهایش به اروپا او را به فردی صاحب‌منصب با منش درویشی و مدافع حقوق مردم، برابری و برادری بدل کرد. مهم‌ترین اصلاحاتی که ظهورالدوله در راستای شکل‌گیری تصوفی نوین در ساختار انجمن اخوت بدان‌ها دست زد به قرار زیر است:

۱. تغییر نگرش در میزان توجه به دنیا، اهتمام به مصالح اجتماعی، ترقی و تجدد. ظهورالدوله برای از میان بردن نابرابری دو کار انجام داد، یکی بالابردن جایگاه رعایا و دیگری کاستن از مقام اشراف، درباریان و روحانیان. مهم‌ترین فعالیت ظهورالدوله برای ترویج اخلاق نوین درویشی و تصوف، تأسیس نخستین انجمن رسمی در ایران به نام انجمن اخوت بود. اخلاق مداری و ایجاد برابری و برادری میان اقشار مختلف جامعه از مهم‌ترین اهداف این انجمن بود.

۲. تغییر ساختار و محتوای مجالس نسبت به تصوف سنتی. ظهورالدوله برای همسویی با تحولات روز دنیا، از درهم شکستن برخی سنت‌های تصوف و احیای آن در قالبی نو که مورد نیاز جامعه باشد خودداری نمی‌کرد. او از بیان کرامات، ریاضت‌کشی، مجازگویی، انزواطلبی و خلق‌گریزی، ترک تأهل، جبرگرایی، عقل‌گریزی، خرافه‌گرایی و بی‌اعتنایی به علم‌آموزی پرهیز داشت و همین‌طور هم‌راستا با انقلاب مشروطه با جایگزین کردن نظام شورایی در انجمن اخوت از ریاست مطلقه شیخی صوفی احتراز کرد. در تصوف او شعرهای عاشقانه به اشعار اجتماعی و مجله اخلاق و خانقاه به انجمن برادری تغییر ماهیت

1. Cimetière du Père-Lachaise
2. www.zahirdowleh.com/aramgah.htm

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۱۹

دادند، کنسرت های موسیقی جایگزین سماع و درآمد حاصل از آن جایگزین تکدی و فتوحات صوفیان شد.

۳. تمایزهای انجمن اخوت از فراماسونی. انجمن اخوت هرگز توسط لژهای فراماسونی خارج از کشور تأیید نشد و برخلاف نهان‌روشی ماسون‌ها، از جلسه‌های عمومی و توجه به عامه پرهیز نکرد. هدف اصلی انجمن که بهبود نگرش و تربیت اخلاقی افرادی خدوم از اشراف و عوام مستعد بود، از زمان صفی‌علیشاه تا پایان فعالیت انجمن ادامه یافت. فراماسونی در کشورهای غربی از زمان تاسیس مورد انکار و هجمه حکومت‌ها بود؛ ولی انجمن اخوت از دل دربار و با اجازه حکومت و حمایت‌های اعیان و اشراف برآمد. انجمن اخوت پیش از تشکیل لژ بیداری - اولین لژ رسمی ماسونی در ایران - شکل گرفت و با حفظ استقلال به فعالیت خود ادامه داد. دیگر این که شعار آزادی، برابری و برادری در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی تنها اختصاص به ماسون‌ها نداشت؛ بلکه روشن‌فکران از جمله ژان ژاک روسو و توده مردم فرانسه در قرن نوزدهم برابری را ریشه آزادی و برادری را عامل همبستگی برای رسیدن به آن می‌دانستند و استفاده از این آرمان‌ها لزوماً به معنای پیوستگی با تشکیلات ماسونی نیست.

فهرست منابع و مآخذ

- الگار، حامد (۱۳۶۰)، مجموعه پژوهش‌های تاریخ ایران ۶: درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- ابراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیری‌شانه‌چی، تهران: مرکز.
- تهرانی کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۸)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مقدمه ناصر کاتوزیان، تهران: سهامی نشر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۸)، تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۲)، تاریخ مردم ایران در دوره قاجار، تهران: ایران ویج.
- رائین، اسماعیل (۱۳۷۸)، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران: رائین.
- روزنامه ایران نو، س ۱، ش ۱۰۳، ۱۳۲۷، ص ۴-۱.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۴۱)، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، شرکت سهامی چهر.
- ریدگون، لیود (۱۳۹۲)، انقلاب و صوفی برجسته: نقش ظهیرالدوله در جنبش مشروطه خواهی، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: پارسه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۸)، جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۹)، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه، تهران: سها.
- سمیعی، کیوان و صدوقی (سها)، منوچهر، (۱۳۷۲)، دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، تهران: پازنگ.
- شریفیان، مهدی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی ادبیات صوفیه، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۴۳)، رهبران مشروطه، جزوه پنجم (ظهیرالدوله)، تهران: شرق.
- ظهیرالدوله، علی (۱۳۴۸)، اسناد تاریخی وقایع مشروطه ایران نامه‌های ظهیرالدوله، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۶۷)، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران: زرین.
- _____ (۱۳۷۱)، میرزا علیخان، مجموعه اشعار ظهیرالدوله و ظهیرالسلطان، تهران: وحید.
- _____ (۱۳۷۱) سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین‌شاه به فرنگستان، به کوشش اسماعیل رضوانی، تهران: مستوفی.
- عرفان، محمود، «فراماسون‌ها»، یغما، ش ۲۲، ۱۳۲۸.

ظهیرالدوله: نوسازی تصوف با اغراض تجدد در انجمن اخوت ۱۲۱

- عسکری، سمانه و ذهبی، سیدعباس، «مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن در آثار اخوان الصفا»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۳، ۱۳۹۰، ص ۲۶-۳.
- علم، محمدرضا علم و حاجیانی فاطمه، «تحلیلی بر فعالیت‌ها و رویکردهای انجمن اخوت در منطقه بوشهر با تکیه بر اسناد»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، ش ۹، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰-۱۰۷.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۲)، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: کتاب‌های جیبی.
- فرزانه‌پور، حسین، «بررسی اندیشه‌های اخوان الصفا»، نامه فرهنگ، ش ۳۲، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳-۱۶۸.
- کتیرایی، محمود (۱۳۵۵)، فراماسونری در ایران از آغاز تا لثربیداری ایران، تهران: اقبال.
- مایر، فریتس (۱۳۸۸)، سنگ بناهای معارف اسلامی، منتخبی از مقالات علوم اسلامی، ترجمه مهرآفاق بایوردی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی چهاردهی، نورالدین (۱۳۸۲)، سلسله‌های صوفیه ایران، تهران: علمی و فرهنگی.
- معیرالممالک، دوستعلی‌خان، (۱۳۹۰)، رجال عصر ناصری، تهران: تاریخ ایران.
- ملک‌پور، جمشید (۱۳۸۵)، ادبیات نمایشی در ایران، تهران: توس.
- مؤذنی، علی‌محمد و مهری، فاطمه، «فتوت: تصوف مدنی»، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، ش ۳، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹-۱۵۷.
- میرانصاری، علی (۱۳۹۲)، انقلاب مشروطه و آثار دراماتیک فارسی، مروری بر نقد روابط اجتماعی در نمایش‌نامه‌های عصر مشروطه خواهی، مجموعه مقالات انقلاب مشروطه ایران، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: پارسه.
- ناطق، هما، «ما و میرزا ملکم‌خان‌های ما»، نگین، ش ۱۱۵، ۳۰ آذر ۱۳۵۳، ص ۴۳-۳۵.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۳)، سرچشمه تصوف در ایران، تهران: فروغی.
- همایونی، مسعود (۱۳۵۵)، تاریخ سلسله‌های طریقه نعمت‌اللهیه در ایران از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال ۱۳۹۶ هجری قمری، تهران: مکتب عرفان ایران.
- Algar, Hamid, *An introduction to the history of freemasonry in Iran*, Middle Eastern Studies, Vol. 6, No. 3, Oct., 1970.